



۱۴

بارها کارهای رعایت بهداشت و سلامت لوازم آرایشی و لوازم جانبی آنها آشنا شویم

## آرایش خطرناک!



۱۶

## بشنواز «نی»

پلک های یخ زده و مشتان گره خورده فرهاد کولبر این روزها پای جهادی ها را به «نی» باز کرده



۱۵

## موتور هواپیماهای مسافربری داخل کشور تعمیر می شود



# زندگی

یکشنبه ۸ دی ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۶۲

### هنرمند جهانی

#### شناخته شده



فاطمه حمادی  
۳۱ ساله - سی پی

فاطمه را خیلی ها می شناسند. نقاشی از پرتره چهره های معروف و فوتوبالیست ها او را مشهور کرد. او ساکن کاشان است و با خواهر دوقلویش در یک خانواده پرجمعیت به دنیا آمد. در زمان تولد اما با نرسیدن اکسیژن به مغز، معلولیت و ناتوانی در تکان خوردن دست و پا، سهم او می شود. در این میان اما خواهر دوقلویش که تا همین سال گذشته زنده بود، یار و یاورش می شود. داستان نقاشی کشیدن فاطمه اما از زمانی که خود را شناخت شروع شد؛ از پنج سالگی و با خط خطی کردن برگه ها. استعداد او در نقاشی اما پنهان ماند تا هشت سالگی که معلمش به استعداد او پی برد. استعداد در نقاشی اما باعث نشد او بتواند در مدرسه درس بخواند. نبود امکانات و ناتوانی خانواده در فرستادن او به مدارس استثنایی، فاطمه را از درس و مدرسه دور کرد. خواهر دوقلوی او اما همیشه همراه و یاورش بود و به او در خانه، آموزش می داد. فاطمه به کمک خواهرش در خانه آموزش می دید. نقاشی در کنار آموزش کتب درسی، همه وقتش را پر می کرد. سال ۸۳ و زمانی که او ۱۵ ساله بود، همه چیز جدی تر شد. آموزش نقاشی با استاد کاریلد، به دختر با معلولیت ۸۰ درصد، ده سال زمان می برد.



سال ۹۴، اما شروع کار حرفه ای او در قالب دیگری است، به چیزی که امروز شناخته می شود؛ به پرتره کشیدن از چهره ها مانند علی دایی و دیگر فوتوبالیست های مشهور، همچون مسی و رونالدو و به این ترتیب همه توجه ها به سمت او جلب شد. بعد از آن بود که فدراسیون فوتبال اسپانیا، در بیانیه ای از او تشکر کرد. شهرت فاطمه به جایی رسید که باشگاه رئال مادرید هم با ارسال پیراهن تیم، از او تشکر کرد.

عضو افتخاری سازمان ملل یکی دیگر از افتخارات فاطمه است. افتخارات اجتماعی، تنها موفقیت های او نیست. او حالا این قدر جایزه و لوح سیاس گرفته که تعدادش را فراموش کرده است. خودش می گوید که شاید بیش از ۵۰ جایزه برده باشد، جایزه برای نقاشی هایی که سه تا چهار روز زمان می برد تا فاطمه با پاهایش آنها را روی بوم به تصویر بکشد. فاطمه آرزوهای بزرگی دارد و درباره یکی از آنها که از بقیه خاص تر است، می گوید: «من آرزو دارم بتوانم هم در ایران و هم در سطح بین المللی مطرح شوم. دوست دارم، هنرم را در اختیار همه مردم دنیا بگذارم.»

افراد توان یاب برخلاف تمام مشکلاتی که پیش روی شان است، همیشه در هنر حرفی برای گفتن دارند. عکس: مجید آزاد / جام جم



گزارشی از جشنواره «همام» که در آن، آثار هنری توان یابان به نمایش درآمد

## نقاشی ظریف توانایی

هنرمندان توان یاب با اراده ای فولادین توانستن را به تصویر می کشند



مدینه عزیزی  
۱۳ ساله - نقص ایمنی

#### از بیمارستان متفرم

ذهن این دختر نوجوان که در کل های روسری دختر، در نقش روی گلدان روی میز و حتی در تصویر روی دستمال کاغذی که به دیوار نصب شده هم سرایت کرده است. این نقاشی اما در دیبای نقاش این اثر، به شدت واقعی است. اثری که به نام «خاطره تلخ» شناخته می شود و نقاش آن هم مدینه عزیزی ۱۳ ساله است. مدینه در کلاس هشتم درس می خواند و خود را هم، در نقاشی، به تصویر کشیده است. مدینه با لیخند عمیقی روی لب، کنار نقاشی اش ایستاده است. اما بعد از لیخند دلنشینش، این پاهایش است که به چشم می آید. پاهایی که با کفش های آهنی تا ران ها پوشیده شده است و بدون آنها قادر به راه رفتن نیست. این کفش ها دو سال پیش، در زلزله یار همیشگی اش شدند؛ درست در زلزله کرمانشاه و زمانی که جوانورد - محل تولد مدینه - لرزید، زمانی که ترس به جانش افتاده

بود و می خواست خود را نجات دهد، نخواست، آسیب دید. قبل از آن اما، این نقاش نوجوان به بیماری دیگری مبتلا بوده است؛ به بیماری نقص ایمنی. بیماری که از بدو تولد با او همراه بوده و به خاطر همین همیشه در معرض بیماری و عفونت است. بیشتر اوقات در بیمارستان بودن، دیدن اشک و نگرانی مادر در پشت اتاق عمل جراحی، عفونت همیشگی، تبدیل به بزرگ ترین تنفراو می شود اما زندگی همیشه هم بد نبوده است. نقاشی پناه او می شود. کاری که مدینه می گوید از دو سالگی عاشق آن شده است. هنری که به صورت خودآموز، یاد گرفته و حالا به ابزاری برای انتقال احساساتش تبدیل شده است. نقاشی تنفراو بیمارستان هم یکی از آنهاست؛ نقاشی که به قول این نقاش نوجوان، با انجام آن، احساس سبکی و راحتی می کند و این خوشحالی است که جای خود را به ناراحتی بیماری داده است.

موسسه و زیر نظر یکی از نقاشان آموزش نقاشی را شروع می کند. اینها اما از شوق اولین نقاشی اش کم نکرده است. اولین نقاشی که خیلی دقیق و با زاویه بندی خوبی هم کشیده شده بود. اثر نقاشی ساده ای بود؛ کلاس درس خود امین. همه چیز اما واقعی، با جزئیات و با رعایت پرسپکتیو و زاویه مناسب به تصویر کشیده شد. دوری و نزدیکی دانش آموزان و معلم، همه رعایت شده بود و همین توجه به فاصله ها و جزئیات باعث می شود با تشویق معلمان، خانواده هم برای آموزش بیشتر نقاشی، تلاش کنند. حالا ۲۰ سال از آن زمان می گذرد و او هر روز نقاشی می کشد. امین هر روز دو تا سه ساعت روی نقاشی هایش کار می کند و خلق آثارش معمولاً حدود دو هفته تا یک ماه زمان می برد. البته همه چیز بستگی به حس و حالش به آن نقاشی دارد. احساسی که با خطوط لرزان و نامتوازن روی بوم نقاشی نقش می بندد و حس از زنده بودن و زندگی را منتقل می کند.

افتاده، نگاه پیرمرد پر از رنگ است. گویی پیرمردی با چشم های چمن افتاده نگاه می کند و می خواهد با شوخ طبعی، لب باز و صحبت را شروع کند. این احساس در نگاه اول از لای خطوط نقاشی به بیننده منتقل می شود. نقاشی که آفریننده اش امین طلایی، پسری است که حتی نمی تواند قلم موی نقاشی اش را به مدت پنج دقیقه ثابت نگه دارد. او اما اثری پر از احساس خلق کرده است. امین از بدو تولد با بیماری سی پی، پای به جهان گذاشت. ناتوانی در حرکت اما باعث نشد بنشیند و کاری نکند. علاقه به نقاشی همیشه همراهش بوده است؛ به خاطر همین برای فرا گرفتن نقاشی تلاش می کند. در آن زمان، امین در همدان زندگی می کرد و در یکی از مدارس استثنایی این شهر هم درس می خواند. هوش او اما شبیه یک کودک معمولی است، همین می شود که مدرسه از آموزش او سر باز می زند و خانواده اش هم برای این که او تحت آموزش قرار بگیرد، به تهران مهاجرت می کنند و در یک



امین طلایی  
۳۶ ساله - سی پی

#### سبک خاص طلایی

نقاشی اش شبیه بقیه نقاشان نیست و سبک خود را دارد؛ این را استاد نقاشی اش گفته است. به خاطر همین است که سبک دیگری را به او آموزش نداده و گذاشته امین، سبک خاص خود را بسازد و هر طور که می خواهد نقاشی کند. امین با خطوط ریز و شکننده، پرتره هایش را می سازد. در میان این خطوط رنگی میلی متری، احساس اما جریان دارد. امین با خطوط ریز و حتی متزلزل، احساس را ترسیم می کند. گویی پیرمرد توی نقاشی زنده است. گوشه نگاه پیرمردی که روی قاب نشسته، جمع شده است. گوشه لب های پیرمرد هم لرزان به نظری می آید. در میان پلک های



لیلا شوقی  
جامعه

خطوط ظریف صورتی، کنار هم قرار گرفته اند. پنج شاخه گل ارکیده درون گلدان طوسی رنگی، روی میزی نشسته است. از سمت راست، نور پاشیده روی گل ها و سایه و روشن ایجاد کرده است. گل ها و گلدان با هارمونی رومیزی، چنان در هم آمیخته اند که انگار به یک عکس رنگی نگاه می کنید؛ این تصویر اما یک عکس نیست، اثری از یک نقاش دچار ضایعه نخاعی است که تنها با حرکات مچ دست می تواند نقاشی کند.

کسی که به کسب مقام اول و دوم کاپ جهانی ژاپن هم رسیده است. تعداد توان یاب هایی که با وجود معلولیت، خلق آثار هنری را انتخاب کرده اند، کم نیست. کسانی که معلولیت نه محدودیت، که تبدیل به راهی برای نشان دادن توانایی هایشان شده است. در جشنواره همام که هفته پیش برگزار شد، بسیاری از این هنرمندان توانایی خود را به نمایش گذاشتند.



زهرا علیان  
۲۵ ساله - سی پی

#### کارآفرین برترم

تصور اولیه خیلی ها این است که نمی تواند حرف بزند و کارهای معمولی از غذا خوردن گرفته تا رفع دیگر نیازها را با کمک دیگران انجام دهد. هرچه باشد، مبتلا به بیماری سی پی است؛ فلج مغزی. داستان برای زهرا اما شکل دیگری نوشته شده است، خودش خواست داستان زندگی اش شکل دیگری نوشته شود. می توانست درس نخواند، در خانه با دست و پاهای چروکیده، زندگی نباتی داشته باشد و سربار دیگران شود. این اما انتخابی نبوده است که زهرا با آن راحت باشد. همین می شود که درس می خواند و به دانشگاه می رود و در رشته حسابداری هم فارغ التحصیل می شود.

در روزهای دانشجویی اما به دنبال کار می گردد. از همان اول هم او ناتوانی خود را باور نداشته اما تنها یک جواب شنیده است: «نه». دست رد به سینه زدن، باعث نشد ناامید شود.

مشکلات زیاد باعث می شود او تصمیم بگیرد زندگی خود را آتچنان که دوست دارد، بسازد؛ بنابراین به فکر فعالیت هنری می افتد، این که هنر هم منبع درآمدش باشد. همین می شود که تصمیم می گیرد در هنر مثبت کاری آموزش ببیند. کاری که البته در ابتدا ساده هم نبوده است اما به قول زهرا همه کارها سخت هستند و این مداومت، تکرار و تمرین بیشتر است که همه چیز را آسان تر می کند، کاری که این هنرمند توان یاب انجام می دهد. حالا ۱۵ سال از آن روزها می گذرد و زهرا، با کار روی چوب، آثاری خارق العاده خلق می کند.

خانم هنرمند حالا یک کارآفرین تواناست؛ کارآفرینی که سال گذشته به خاطر اشتغال زایی برای سه چهار نفر به عنوان کارآفرین برتر تهران هم شناخته شد. او هر روز چهار پنج ساعت، بسته به توانش روی آثار هنری اش کار می کند و منبع درآمدش هم از همین راه تامین می شود.

#### بیمارستان - هزینه

رحیمی از اندیشه:

مبتلا به ام اس هستم تا پیش از این داروهای بیماری هایی که جزو صعب العلاج بود از سوی بیمارستان تامین می شد و کمک هزینه مناسبی هم برای بیماران در نظر گرفته می شد، اما مدتی است که بیمارستان همراه بیمار را برای تهیه دارو به بیرون از بیمارستان می فرستد که روند تأیید دارو ها و هزینه آن بسیار زیاد است. نکته جالب این است که هزینه بیمارستان با اینکه دارو ها را هم همراه بیمار تهیه کرده است از قبل بیشتر است.

#### حقوق - بازنیستگان

احمدی از آذربایجان شرقی:

چند روزی از اول ماه می گذرد، اما هنوز حقوق های بازنیستگان این استان پرداخت نشده است. لطفاً مسؤولان کاری انجام دهند.

#### خودروی - داخلی

کوچکی از رشت:

خودروهای داخلی بسیار بی کیفیت است؛ دیده شده که بعضی از این خودروها در همان ماه اول دچار نقص فنی می شود.

#### پرداخت - مالیات

دهقان از مشهد:

یک چهره مشهور با درآمدی میلیاردی از پرداخت مالیات محروم است، اما یک کارگر با درآمدی حداقلی باید مالیات بپردازد؟!

#### پارک - خودرو

قائدی از تهران:

بعضی از رانندگان با پارک خودروی خود در چهارراه های خیابان شهید گلشن دوست باعث مزاحمت برای رانندگان دیگر که می خواهند در این چهارراه ها دور بزنند؛ می شوند.

#### نوسانات - دلار

امیدوار از تهران:

نوسانات قیمت دلار باعث آشفته گی در بازار شده است؛ تولیدکنندگان که مواد اولیه را از خارج کشور وارد می کنند؛ دچار مشکل شده اند.

#### جوابیه

در پی درج پیامی در روز شنبه ۲۳/۹/۱۳۹۸ با عنوان «اتوبوس - تندرو» سرپرست روابط عمومی شرکت واحد با ارسال نمایی اعلام کرد: طی بررسی های به عمل آمده از طریق سیستم مدیریت هوشمند ناوگان، اعزام اتوبوس ها در بازه زمانی مدنظر شهروند محترم در خط (علم و صنعت، خاوران) با سرفاصله ۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه صورت می گیرد. لازم به ذکر است، به عوامل خط مذکور در خصوص نظارت بیشتر بر اجرای دقیق زمان بندی و سرویس رسانی مطلوب تر، توجه لازم داده شد.